



عقل بشری حتی از شناخت و درک گوشه ای از صفات خداوند عاجز است

امام علی(ع) درباره مراتب خدانشناسی می فرماید: سرآغاز دین، خدانشناسی است و کمال شناخت خدا، باور داشتن او و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست و کمال این شهادت، اخلاص و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است.

امام علی(ع) درباره مراتب خدانشناسی می فرماید: سرآغاز دین، خدانشناسی است و کمال شناخت خدا، باور داشتن او و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست و کمال این شهادت، اخلاص و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است.

امام علی(ع) در خطبه یکصد و دوازدهم نهج البلاغه می فرماید: آیا هنگامی که فرشته مرگ وارد منزلی می شود او را با حس درک می کنید؟ و آیا وقتی که کسی را قبض روح می نماید وی را می بینید؟ و حتی چگونگی قبض روح کردن چنین را در شکم مادر می توانید تشخیص دهید؟ که آیا از پیکر مادر وارد می شود یا اینکه روح به اذن پروردگار دعوت او را اجابت می کند (و خارج می شود)؟ یا اینکه همراه او در رحم مادر ساکن است؟ آن کس که از صفات مخلوقی مانند خود عاجز است چگونه می تواند پروردگار خویش را توصیف کند؟! و آن کس که چگونگی کار فرشته قبض ارواح را نمی داند با اینکه مخلوقی بیش نیست چگونه انتظار دارد به کنه ذات خدا پی ببرد و او را توصیف نماید؟!

ناتوانی انسان در شناخت خدا

عظمت بی کران خداوند باری تعالی آن چنان است که عقل بشری، نه تنها از شناخت ذات او، بلکه از شناخت و درک گوشه ای از صفات او نیز عاجز و ناتوان است. امیرمؤمنان حضرت علی (ع) در نخستین خطبه از نهج البلاغه در این باره چنین می فرماید: «سپاس خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجزند، و حسابگران از شمارش نعمت های او ناتوان، و تلاشگران از ادای حق او درمانده اند. خدایی که افکار ژرف اندیش، ذات او را درک نمی کند و دست غواصان دریای علوم به او نخواهد رسید. پروردگاری که برای صفات او حد و مرزی وجود ندارد و تعریف کاملی از آن نمی توان داشت. برای خدا وقت معینی وجود ندارد. او مخلوقات را با قدرت خود آفرید و به رحمت خویش بادهای را به حرکت درآورد و به وسیله کوه ها، اضطراب و لرزش زمین را به آرامش تبدیل کرد».

مراتب خدانشناسی

در فرمایشی ارزشمند از مولای متقیان حضرت علی(ع) درباره مراتب خدانشناسی و نیز دستیابی به شناختی صحیح و واقعی از حضرت حق که به دور از انحراف و باطل باشد، چنین آمده است: سرآغاز دین، خدانشناسی است و کمال شناخت خدا، باور داشتن او و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست و کمال این شهادت، اخلاص و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است.

دلها خدا را درمی یابند

نقل شده است که شخصی از حضرت علی(ع) چنین پرسید: ای امیرمؤمنان، آیا پروردگار خود را دیده ای؟ امام در پاسخ فرمود: آیا چیزی را که نبینم بپرستم؟ مرد گفت: چگونه او را می بینی؟! امام فرمود: «دیده ها هرگز او را آشکار نمی بیند، ولی دلها با ایمان درست او را در می یابند. خدا به همه چیز نزدیک است، نه آنکه به اشیا چسبیده باشد؛ از همه چیز دور است، نه آنکه از آنها بیگانه باشد؛ گوینده است، نه با اندیشه و فکر؛ اراده کننده است، نه از روی آرزو و خواهش؛ سازنده است، نه با دست و پا؛ لطافت دارد، نه آنکه پوشیده و مخفی باشد؛ بزرگ است، نه با ستمکاری؛ بیناست، نه با حواس ظاهری؛ مهربان است، نه با نازک دلی. چهره ها در برابر عظمتش به خاک افتاده و دل ها از ترس او بی قرارند».

نظم آفرینش

نظم و هماهنگی دقیقی که در جهان آفرینش به چشم می خورد، جملگی حکایت از علم و قدرت بی پایان خداوند دارد که با حسابگری دقیق، پدیده ها را با نظم و تعادل بسیار در کنار هم قرار داده و هیچ گونه ناهماهنگی و تعارض که بر هم زننده نظام آفرینش باشد، در آنها دیده نمی شود. امیرمؤمنان(ع) در سخنانی درباره این مسأله می فرماید: «[خداوند] آنچه را آفرید، با اندازه گیری دقیقی استوار کرد و با لطف و مهربانی نظمشان داد و به خوبی تدبیر کرد. هر پدیده را برای همان جهت که آفریده شد، به حرکت درآورد؛ چنان که نه از حد و مرز خویش تجاوز نماید و نه در رسیدن به مراحل رشد خود کوتاهی کند و این حرکت حساب شده را بدون دشواری به سامان رساند تا براساس اراده او زندگی کند. پس چگونه ممکن است سربچی کند، در حالی که همه موجودات از اراده خدا سرچشمه می گیرند؛ خدایی که پدید آورنده موجودات گوناگون است».

خدانشناسی در آفرینش انسان

انسان با تفکر در آفرینش، جهانی از شگفتی و عجایب می بیند که هر جزء آن بر خالق و آفریدگاری حکیم و قدرتمند دلالت دارد. امیرمؤمنان(ع) در خطبه ای درباره این مسأله می فرماید: «ای انسان، ای آفریده راست قامت، ای پدیده نگهداری شده در تاریکی های رحم های مادران و قرار داده شده در پرده های تودرتو، آغاز آفرینش تو از گل و لای بود و سپس در جایگاه آرامی نهاده شدی تا زمانی مشخص و معین و آن گاه در شکم مادر حرکت می کردی، نه دعوتی را می توانستی پاسخ دهی و نه صدایی را می شنیدی. سپس تو را از قرارگاهت بیرون کردند و به خانه ای آوردند که آنرا ندیده بودی و راه های استفاده اش را نمی دانستی. پس چه کسی تو را در مکیدن شیر، از پستان مادر هدایت کرد و به هنگام نیاز، جایگاه های طلب کردن و خواستن را به تو شناساند؟».

منع تفکر در ذات خدا

پیشوایان دینی، همواره ما را از اندیشیدن در ذات خداوند بزرگ منع کرده اند؛ چرا که عظمت بی پایان حضرت حق فراتر از آن است که عقل محدود و نارسای بشری به درک و شناخت او دست یابد. در بخشی از کلام امام علی(ع) آمده است: «اگر وهم و خیال انسانها بخواهد برای درک اندازه قدرت خدا تلاش کند و افکار بلند و دور از وسوسه های دانشمندان بخواهد ژرفای غیب ملکوتش را در نوردد و قلبهای سراسر عشق عاشقان، برای درک کیفیت صفات او کوشش نماید و عقل با تلاش وصف ناپذیر، از راه های بسیار ظریف و باریک بخواهد ذات او را درک کند، دست قدرت بر سینه همه نواخته، باز گرداند؛ درحالی که در تاریکیهای غیب برای رهایی خود، به خدای سبحان پناه می برند و با ناامیدی و اعتراف به عجز از شناخت ذات خدا باز می گردند که با فکر و عقل نارسای بشری نمی توان او را درک کرد و اندازه جلال و عزت او، در قلب اندیشمندان راه نمی یابد».

امام علی(ع) در توصیف خداوند و عظمت او می فرمایند: «سپاس خداوندی را سزااست که همواره وجود داشت، پیش از آنکه کرسی یا عرش، آسمان یا زمین و جن یا انس پدید آیند. خداوندی که ذات او را فکرها و عقلهای ژرف اندیش نتوانند بشناسند و با نیروی اندیشه، اندازه ای برای او نتوانند تصور کنند... . خدایی که بدون اعضا و جوارح و زبان و کلام با حضرت موسی(ع) سخن گفت و آیات بزرگش را به او شناساند. ای کسی که برای توصیف کردن پروردگارت به زحمت افتاده ای، اگر راست می گویی، جبرئیل و میکائیل و لشکریهای فرشتگان مقرب را وصف کن که دربارگاه قدس الهی سر فرود آورده اند و عقلهایشان در درک خدا، سرگردان و درمانده است. تو چیزی را می توانی درک کنی که دارای شکل و اعضا و جوارح و دارای عمر محدود و اجل معین باشد».

خداوند و هدایت انسانها

یکی از نعمتهای خداوند بر بندگان، فرستادن پیامبرانی به منظور شناخت صحیح آفریدگار جهان و نیز شناخت دنیا و ویژگیهای آن و چگونه زیستن در آن تا رسیدن به کمال حقیقی است. امیرمؤمنان علی(ع) در خطبه ای راجع این مسأله می فرماید: «ستایش خداوندی را سزااست که شناخته شد، بدون آنکه دیده شود و آفریده بی آنکه دچار رنج و زحمتی گردد. با قدرت خود پدیده ها را آفریده و با عزت خویش، گردن کشان را بنده خویش ساخت و با بخشش خود بر همه بزرگان برتری یافت. او خدایی است که دنیا را مسکن مخلوقات برگزید و پیامبران خود را برای هدایت جن و انس فرستاد تا دنیا را آن گونه که هست بشناسانند و از زیانهای دنیا بر حذر دارند و با مطرح کردن مثلها، عیوب دنیاپرستی را نشان دهند و آنچه را مایه عبرت است، از تندرستی ها و بیماریها و حلال و حرام تذکر دهند و آنچه خداوند برای بندگان اطاعت کننده و نافرمان از بهشت و جهنم آماده کرده که وسیله کرامت یا سقوط و پستی است، بازگو نمایند».

سر رشته کارها به دست خداست

امیرمؤمنان علی(ع) در یکی از دعاهايشان چنین می فرمایند: «پروردگارا!، تو با دوستان از همه بیشتر انس می گیری و نیازهای توکل کنندگان را برطرف می کنی. بر اسرار پنهانشان آگاه و به آنچه در دل دارند آشنایی. دیدگاه های آنان و رازشان نزد تو آشکار و دلهایشان در حسرت دیدار تو داغدار است. اگر تنهایی و غربت به وحشتشان اندازد، یاد تو آرامشان می کند. اگر مصیبتها بر آنان فرود آید، به تو پناه می برند و روی به درگاه تو دارند؛ زیرا می دانند که سر رشته کارها به دست توست و همه کارها از خواست تو نشأت می گیرد. خدایا، اگر برای خواستن درمانده شوم یا راه پرسیدن را ندانم، تو مرا به اصلاح کارم راهنمایی فرما و قلبم را به آنچه مایه رستگاری است، هدایت کن... . پروردگارا، مرا با بخشش خود بیپذیر و با عدل خویش، با من رفتار مکن».